



سومین همایش ملی
بانوکمپوزیتها
بزرگداشت حضرت خدیجه

۳۰ دی ماه ۱۴۰۰ ، استان یزد

ISIRI
ISC
CIVILICA
SID

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
انجمن علمی مهندسی کامپیوتر ایران
انجمن علمی مهندسی معماری ایران
انجمن علمی مهندسی عمران ایران
انجمن علمی مهندسی مکانیک ایران
انجمن علمی مهندسی برق ایران
انجمن علمی مهندسی شیمی ایران
انجمن علمی مهندسی صنایع ایران
انجمن علمی مهندسی پزشکی ایران
انجمن علمی مهندسی هوافضا ایران
انجمن علمی مهندسی نفت ایران
انجمن علمی مهندسی معدن ایران
انجمن علمی مهندسی آب و تاسیسات ایران
انجمن علمی مهندسی معماری و شهرسازی ایران
انجمن علمی مهندسی معماری و شهرسازی ایران
انجمن علمی مهندسی معماری و شهرسازی ایران

نقش حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در گسترش دین اسلام

زهرا انصاری^۱

چکیده:

تاریخ اسلام مملو از زنان نمونه‌ای است که هر کدام در زمان خود راه کمال را پیموده و باعث بقا، پایداری، رشد و تکامل اسلام شدند. در این میان، نقش بانویی به چشم می‌خورد که اگر حمایت‌های بی‌بدیل او نبود، شاید جریان اسلام به این صورتی که است تحقق نمی‌یافت. حضرت خدیجه، قبل از بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) یعنی در سال‌های جاهلیت، زندگی خود را با پیامبر اکرم آغاز کرده است؛ سال‌هایی که کرامت زنان نادیده گرفته می‌شد، دختران زنده به گور شده، فساد، فحشا، خرافه و شرک رایج و مرسوم بود و سراسر جامعه را فرا گرفته بود. رفتار و اعمال خدیجه کبری (سلام الله علیها) در این دوران، نشانگر شخصیت والای ایشان است؛ زیرا او هرگز دامن خود را به این مسائل آلوده نساخت و به‌عنوان طاهره قریش، الگوی زنان و به‌عنوان تاجری موفق، الگوی مردان هم‌عصر خویش بود. خدیجه (س) در طول ۲۵ سال زندگی مشترک با پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) همه‌جانبه از ایشان پشتیبانی می‌کرد. با نقشی که ایشان در آن سال‌ها داشتند، هر یک از حمایت‌های مادی و معنوی و دیگر حمایت‌های این بانو، باعث تحکیم و پیشبرد اهداف اسلام شد.

واژگان کلیدی: حضرت خدیجه (س)، گسترش اسلام، حمایت‌های حضرت خدیجه (س).

^۱. طلبه سطح ۳، حوزه علمیه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها).

مقدمه

هر ایده و مکتبی برای گسترش فکر خود از ابزارهای گوناگونی استفاده می‌کند؛ در میان این ابزارها نیروی انسانی نقش عمده‌ای بر عهده دارد، کسانی که می‌کوشند تا پیام مذهب خود را به گوش همگان برسانند. در دین اسلام که به‌عنوان آیینی جاودان به بشریت عرضه شده است، افرادی به چشم می‌خورند که کم‌وبیش توان خود را در راه پیشبرد آن مصروف داشته‌اند.

گسترش اسلام مدیون زحمات و تلاش‌های رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و زنان و مردان بزرگی است که با همت بلند و تلاش خود اسلام را در دنیا گسترش دادند. از جمله افراد فعالی که در تحقق اهداف پیامبر کوشید، حضرت خدیجه (سلام الله علیها) همسرگرمی ایشان بود.

جایگاه و نقش حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در سخت‌ترین دوران تاریخ اسلام برکسی پوشیده نیست، او در دوران بعثت با حمایت‌های مادی و معنوی خویش از پیامبر اکرم نقش مهمی را در تثبیت و گسترش اسلام ایفا نمود. او یک الگوی نمونه برای زنان و مردان جامعه می‌باشد چرا که در وجود ایشان ارزشها و کمالات انسانی فراوانی بوده است. او تمام ثروت، امکانات اقتصادی و تمام هستی خویش را در راه رضای خدا به رسول خدا بخشید علاوه بر این، با حمایت‌های روحی و عاطفی و معنوی از پیامبر در ترویج و گسترش اسلام و پیشبرد اهداف آن نقش بی‌بدیلی ایفا کرد.

آن حضرت از چنان جایگاهی برخوردار است که افزون بر منابع شیعی، منابع دیگر فرق اسلامی نیز نتوانسته‌اند از ذکر فضایلش خودداری کنند. طهارت و پاکدامنی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) موجب شد که ایشان به عنوان طاهره ملقب شوند و همه ائمه معصومین (علیهم السلام) از نسل ایشان باشند.

این پژوهش ضمن تبیین جایگاه و ویژگی‌های حضرت خدیجه به بیان نقش ایشان در حمایت از پیامبر اکرم در راه گسترش اسلام می‌پردازد. حمایت‌های عاطفی و روحی و معنوی و حمایت اقتصادی ایشان بود که پیامبر را در راه رسیدن به اهداف خود ثابت قدم کرده و ایشان را به دعوت مردم به اسلام استوارتر می‌کرد.

مفهوم شناسی:

حضرت خدیجه:

خدیجه (سلام الله علیها) دختر خُوَیَلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی، از خاندان قریش (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۷۸) و فاطمه بنت زانده بود (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۷-۱۸). سال تولد او را پانزده سال قبل از عام الفیل گفته‌اند. (ابن سعد، ۱۴۱۸ق، ج ۸، ص ۱۳)

در گزارشات تاریخی به جایگاه بالای اجتماعی و حُسن شهرت او در شرف و نسب اشاره شده است. (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۹۸) ابن سیدالناس در این باره آورده است: «او زنی شریف و با درایت بود که خداوند خیر و کرامت برای او در نظر گرفته بود. به لحاظ نسب در طبقه متوسط از انساب عرب جای داشت، اما دارای شرافتی عظیم و ثروتی زیاد بود». (ابن سیدالناس، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۶۳)

خدیجه را بانویی شریف، ثروتمند و دارای اعتبار در روزگار خود معرفی کرده‌اند. (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۲۸۱) در روایتی از پیامبر، سرور زنان جهان خدیجه (سلام الله علیها)، فاطمه (سلام الله علیها)، مریم و آسیه معرفی شده‌اند. (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۲۹) همچنین پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)، خدیجه را از زنان کامل در جهان (همان) و نیز از بهترین زنان معرفی کرده است. (مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص ۶۰). در منابع اسلامی، از حضرت خدیجه با القابی همچون طاهره، زکیه، مرضیه، صدیقه، سیده نساء قریش (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۵)، خیرالنساء (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۸۳) و بانوی بلندمرتبه (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۱۸۹) و نیز با کنیه ام المؤمنین یاد شده است. (سیلاوی، ۱۴۲۴ق، ص ۲۴).

گسترش دین اسلام:

گسترش اسلام در جزیره العرب و سایر نقاط باجنگ و شمشیر نبود، بلکه عواملی مانند شخصیت پیامبر و نوع رسالت ایشان و همچنین همراهی یاران ایشان سبب توسعه اسلام گردید. اسلام از بهترین و مقدس ترین سرزمین انسانها ظهور نمود. سرزمینی که تمام دلها هوای آن را داشت. (پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم شیرازی) بوطی می گوید: «منطقه جغرافیایی جزیره العرب سرزمینی بود که بسیار مساعد برای این دعوت به حساب می آمد؛ زیرا در نقطه وسط بین امت‌های مختلف بود، و این خود عامل گسترش دعوت اسلامی بین تمام دسته‌ها و دولتهای هم جوار بود». (غزالی، بی تا، ص ۳۰۱) از طرفی هم شخصیت ممتاز پیامبر اکرم باعث گسترش دین اسلام می شد چرا که ایشان از قبیله قریش بودند، که بزرگترین

قبایل عرب از حیث قدرت و نفوذ به حساب می آمد. خصوصاً آنکه او از قبیله هاشمی بود که امتیاز ویژه‌ای از حیث پاکی و قداست و زعامت داشت، ایشان از نسل «اسماعیل» بود که همه کس آمادگی پذیرش دعوت فردی از این نسل را داشت؛ زیرا این نسل محل هبوط وحی و معدن پاکیزگی معنوی به حساب می آمد. (ابن کثیر، ج ۳، ص ۷۴)

بی گمان، علت گسترش سریع دین اسلام در جزیره العرب و بعد از آن در سایر کشورها، منحصر در یک سبب نیست؛ بلکه مورخان و تحلیلگران مسائل اسلامی، عواملی را در این زمینه بر شمرده‌اند. قرآن کریم یکی از علل روی آوردن مردم به پیامبر اکرم و در پی آن پذیرش اسلام را اخلاق نیکوی پیامبر اسلام معرفی می کند و می فرماید: «به برکت رحمت الهی، در برابر آنان نرم و مهربان شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند». (آل عمران، آیه ۱۵۹)

لذا با مراجعه به سیره پیامبر اسلام در می یابیم که بیشتر اقدامات حضرت برای گسترش دین اسلام (به جز موارد خاص نظامی و دفاعی)، اقدامی فرهنگی بوده است. در مدینه اقلیتهای دینی و اسرای مشرکین را در انتخاب پرداخت جزیه و قبول دین اسلام آزاد می گذاشت و... اینها بهترین دلیل بر به کار نگرستن زور و استبداد در قبولاندن دین اسلام توسط پیامبر است. (یعقوبی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۲۲) عوامل دیگری همچون غنی بودن محتوای دین اسلام، حضور صحابه پیامبر در جنگها، ارتباط غیرمسلمانان با جامعه اسلامی و... از علل گسترش دین اسلام بودند.

حمایتهای حضرت خدیجه

حضرت خدیجه که بانویی ثروتمند بود تمام ثروت خود را در آغاز ازدوا و پیش از بعثت به پیامبر بخشیده بود و این ثروت در اختیار پیامبر بود تا هنگامی که مشرکان قریش در برابر دعوت اسلام، سیاست ظالمانه و ضدانسانی تحریم را پیش گرفته و پیامبر مجبور شد برای اینکه بنی هاشم را در این تحریمها مقاوم و مصون از آسیبهای سخت نگه دارد آنها را در شعب ابی طالب گرد آورد.

ایشان از هیچ حمایتی دریغ نکردند علاوه بر مال و ثروتشان که همه را تمام و کمال به پیامبر بخشیدند خودشان باتمام وجود ایشان را از نظر معنوی و عاطفی حمایت می کردند. حمایتهای که این بانو از پیامبر اکرم داشتند بر کسی پوشیده نیست، در کتب تاریخی شیعه و اهل سنت به اقدامات و حمایتی که ایشان در راه گسترش دین اسلام داشتند پرداخته شده است. حضرت خدیجه حامی راستین حضرت ختمی

مرتبت بود و جان و مال خویش را تقدیم مقام رسالت کرد و از میان همه زنان گیتی به عنوان رویشگاه برترین نسل و شریفترین تبار بشریت انتخاب شد.

او هرچه داشت را در اختیار پیامبر قرار داد تا به دعوت ایشان کمک کند، در تاریخ اسلام، کمتر کسی از جامعه زنان چون حضرت خدیجه کبری درخشیده است. او هر روز قدمی تازه در راه نیل به اهداف عالی اسلام برداشت و بالاخره در سال دهم بعثت بعد از سه سال محاصره در شعب ابی طالب این بانوی بزرگ و فداکار وفات یافت. (www.imj.ir)

شناخت شخصیت حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

بررسی نقش معنوی حضرت خدیجه در پیش برد اسلام، نیازمند شناخت شخصیت و زندگی ایشان است. حضرت خدیجه (سلام الله علیها) دختر خویلد بن اسد (ابن حزم، ۱۴۰۳ ق، ۱۲۰) و از زنان فداکار و با فضیلت اسلام، نخستین همسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و مادر فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است. وی با رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) خویشاوندی نزدیکی دارد و با سه واسطه در نسب، به قصی بن کلاب می‌رسد که جد چهارم رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) است. نام مادر حضرت خدیجه، فاطمه دختر زائد، از تیره عامر بن لؤی است (بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ۲: ۲۳)؛ نوفل (پدر ورقه)، حزام (پدر حکیم و از اصحاب رسول خدا) و عوام (پدر زبیر) از اشخاص سرشناس قریش، همگی برادران خدیجه هستند (ابن حزم، ۱۴۰۳ ق، ص ۱۲۱).

حضرت خدیجه پانزده سال پیش از عام الفیل، در مکه متولد شد. در دوران جوانی با تجارت و بازرگانی از نظر مادی جزو ثروتمندترین افراد قریش شد (ابن سعد، ۱۴۱۰ ق، ج ۸، ص ۱۳).

خدیجه را نباید تنها یک بانوی سرمایه‌دار دانست که شتران حامل مال‌التجاره را به مناطق مختلف می‌فرستاد و سودهای کلان به دست می‌آورد، بلکه وی به‌عنوان یک شخصیت معنوی، عفیف، پاک‌دامن و ایثارگر، دارای شناخت و فکر بلند و تیزبین مطرح بود. این بانوی بزرگ، حتی در دوران جاهلیت که پاک‌دامنی جایگاهی نداشت، به دلیل عفت و دامن‌پاکش، طاهره نامیده می‌شد؛ «و کانت تُدعی فی الجاهلیة بالطاهره لشدّة عفافها و صیانتها» (ذهبی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۱۱۱) در جایی دیگر آمده است: ... و چون خود را به درجه‌ای از کمال و پاکی رسید که به او لقب «طاهره» دادند (ابن عبدالبر، ۱۴۲۲ ق، ج ۴، ص ۳۷۹)

بعد از اسلام نیز ایشان به عنوان نخستین «أُمّ المؤمنین» در قرآن مورد توجه قرار گرفت. خدیجه آن چنان بر بلندای معنویت صعود کرده است که پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به کمال وی شهادت داده و فرموده است: «کمل من الرجال کثیر و لم یکمل من النساء الاً أربع: آسیه بنت مزاحم امرأه فرعون و مریم بنت عمران و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم)». (طباطبائی، ۱۳۶۰، ج ۱۹، ص ۳۴۶)؛ مردان بسیاری قلّه کمال را فتح نموده‌اند، ولی از زنان، چهار نفر به این قلّه دست پیدا کرده‌اند: آسیه دختر مزاحم و همسر فرعون، مریم دختر عمران، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) این بانوی با معرفت، آن چنان حقیقت‌شناس و تیزبین است که در میان همه مردان و زنان عصر بعثت، اولین فردی است که نبوت رسول خدا را تصدیق می‌کند و مدال پرافتخار ایمان را به دست می‌آورد (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۱۶: ۲) خدیجه از بهترین زنان بهشت و برگزیده خداوند تبارک و تعالی است (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۱۶: ۲)؛ مقام این بانوی بزرگ به اندازه‌ای رفیع است که پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) خطاب به وی فرمودند: «یا خدیجه انّ الله عزوجلّ لیباهی بک کرام ملائکته کلّ یوم مرارا» (بحرانی، ۱۴۲۹، ق، ج ۱۱، ص ۴۱)؛ خدیجه! خداوند عزوجلّ روزی چندین بار به عظمت تو در نزد ملائکه مقربش مباحث می‌کند؛ در مورد دیگر نیز فرموده است: «قال جبرئیل: هذه خدیجه فاقراء علیها السلام من ربّها و منّی و بشرها بیت فی الجنّه» (بخاری، ۱۴۰۱، ق، ج ۵، ص ۱۱۲)؛ سلام خداوند و مرا به خدیجه ابلاغ کن و مژده خانه‌ای در بهشت را به او بده.

حضرت ابوطالب (علیه السلام) به هنگام خواندن خطبه عقد ازدواج پیامبر و حضرت خدیجه که حدود ۱۵ سال قبل از بعثت اتفاق افتاد، ایشان را چنین توصیف کرده است: «ان خدیجه امرأه کامله میمونه فاضله تخشی العار و تحذر الشنار» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۱۶، ص ۵۶)؛ همانا خدیجه، بانویی کامل، پرمیمنت و مبارک و زینده است؛ بانویی که ساحتش از هر ننگ و بدنامی دور بوده، او باشخصیت و آبرومند است».

محمد بن عمر بن واقد، از نفیسه دختر منیه (از زنان هم‌عصر حضرت خدیجه (سلام الله علیها)) نقل می‌کند: «خدیجه، دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزیّ بن قصی، بانویی خردمند، دوراندیش و والاگهر بود؛ خداوند متعال برای او خیر و کرامت اراده نمود. خدیجه از نظر نسب، شرف و ثروت، برگزیده‌ترین زن قریش بود؛ تمام مردان قریش در آرزوی ازدواج با او بودند و برای این منظور از او خواستگاری کرده و (حتی) حاضر بودند، مهریه‌ای سنگین بپردازند» (ابن سعد، ۱۴۱۰، ق، ج ۱، ص ۱۰۶).

نقش حضرت خدیجه در زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم)

حضرت خدیجه، نخستین زنی بود که پیامبر اکرم با او ازدواج کرد. (مسعودی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۲۸۳) یعقوبی به نقل از عمار بن یاسر درباره خواستگاری رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) از حضرت خدیجه می گوید: «من آگاه ترین مردم به ازدواج حضرت خدیجه با رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) هستم؛ زیرا من دوست پیامبر بودم؛ روزی من و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) میان صفا و مروه راه می رفتیم؛ در راه به خدیجه دختر خویلد و خواهرش هاله برخوردیم؛ هاله پیش من آمده، گفت: ای عمار، آیا دوست تو علاقه ای به خدیجه دارد؟ گفتم: به خدا سوگند نمی دانم! خود را به پیامبر که از من دور شده بود، رساندم و سخنان هاله را به او بازگفتم. فرمود: «بازگرد و با او روزی را برای خواستگاری قرار بگذار»، من چنان کردم؛ چنانکه آن روز فرارسید، خدیجه پدرش مرده بود؛ پس به سراغ عمویش عمرو بن اسد فرستاد، محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز به همراه چند تن از عموهایش که ابوطالب پیشاپیش آنان حرکت می کرد، آمدند؛ ابوطالب در جلسه خواستگاری ضمن ستایش خداوند متعال و معرفی خاندان خود، گفت: همانا برادرزاده من، محمد بن عبدالله با مردی از قریش سنجیده نمی شود؛ مگر آنکه بر وی برتری می یابد و با کسی مقایسه نمی شود؛ مگر آنکه از او بزرگ تر است و اگر به مال اندک است، مال، روزی دگرگون شونده و سایه رونده است؛ او به خدیجه مایل و خدیجه نیز به او علاقه مند است و کابینی که از او می خواهید، از مال من پرداخت خواهد شد؛ سپس مهریه ایشان را دوازده اوقیه (چهل درهم) قرار داد» (ابن سعد، ۱۴۱۰ ق، ج ۴، ص ۱۴).

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) از سن ۲۵ تا ۵۰ سالگی، یعنی قریب ۲۵ سال از عمرش را که تمام دوران جوانی آن حضرت بود، با حضرت خدیجه گذراند و تا ایشان زنده بود، با زن دیگری ازدواج نکرد؛ بعد از درگذشت آن بانوی مکرمه نیز همیشه از او یاد می کرد و او را بهترین همسرش می دانست. در منابع تاریخی فرزندان برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) از حضرت خدیجه ذکر شده است که همگی آنان قبل از اسلام درگذشتند (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۰۶) فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، تنها یادگار باقی مانده از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و خدیجه بود که خداوند متعال امامت را در نسل او قرار داد.

حمایتهای معنوی حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

ابتدای بعثت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و در مدت سه سال دعوت پنهانی آن حضرت، تنها چند نفر از خاندان ایشان مسلمان شدند؛ در میان مردان، نخستین شخص، حضرت علی (علیه السلام) و از بین زنان، خدیجه بود (ابن سعد، ۱۴۱۰ ق، ج ۸، ص ۱۵).

بر اساس شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه عصر جاهلی، اسلام حضرت خدیجه می توانست، توان تبلیغی رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) را بالا برده و راهکاری مناسب برای برون رفت از مشکلاتی باشد که اسلام نیاوردن برخی نزدیکان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) برای آن حضرت به وجود آورد. کیفیت حضور خدیجه در نماز همراه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) علاوه بر آنکه مایه خوشحالی و آرامش خاطر پیامبر بود، زمینه توسعه و ترویج فرهنگ اسلام در بین خوشحالی و آرامش خاطر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بود، زمینه توسعه و ترویج فرهنگ اسلام در بین زنان را نیز فراهم ساخت. (العبد الخانی، ص ۱۲)

عفیف کندی در چگونگی این حضور گوید: «من مرد تاجری بودم و در یکی از روزها با عباس بن عبدالمطلب که به تجارت اشتغال داشت، به قصد خرید و فروش وارد گفتم و گو شدم؛ ناگهان مردی از گوشه در وارد شد و در مقابل کعبه ایستاد و به نماز مشغول شد؛ پس از او، زنی و بعد، جوانی آمدند و با او به نماز مشغول شدند؛ از عباس درباره این دین پرسیدم؟ عباس گفت: این محمد بن عبدالله است که گمان می کند رسول خداوند است و به همین زودی ها، گنج های کسری و قیصر به روی او گشوده می شود! او نیز خدیجه دختر خویند، همسر او است که به وی ایمان آورده و آن جوان هم پسر عمویش علی بن ابی طالب است که به او گرویده است»؛ عفیف گوید: «کاش من آن روز به او ایمان آورده بودم و از وی پیروی می کردم!» (بخاری، ۱۴۰۱ ق، ج ۷، ص ۷۴).

حضرت خدیجه به آن درجه معنویت رسیده بود که دل از مال دنیا بریده و تمام اموال خود را در راه خدا انفاق کرد، به گونه ای که مصداق کامل و بارز آیه شریفه ۲۶۲ سوره بقره: (الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) است که می فرماید: آنان دارایی های خویش را در راه خدا انفاق می کنند؛ آنگاه از پی آنچه انفاق نموده اند، نه منتی می گذارند و نه آزاری می رسانند، (اینان) پاداششان نزد پروردگارشان محفوظ است و آنان نه بیمی خواهند داشت و نه اندوهگین می شوند.

حمایت‌های روحی و عاطفی حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در زمینه حمایت‌های روحی و عاطفی نقش بسزایی داشتند. از جمله این نقشها تصدیق و تایید پیامبر اکرم، حمایت‌های روحی و عاطفی از پیامبر، و ارشاد و هدایت مردم به سوی خدا و پیامبر می‌باشد.

حضرت خدیجه از میزان علاقه پیامبر به عبادت آگاه بود، کاری می‌کرد که پیامبر به راحتی به عبادت خدا مشغول باشد و پیامبر قبل از بعثت، هر ماه چند بار و نیز هر ساله ماه رمضان را در غار حرا به عبادت خدا می‌پرداخت. (ابن ابی الحدید، ۴۲۱۱، ج ۲، ص ۲۶۹) او پیامبر را از زحمت اداره اموال خویش معاف داشت تا او فرصت کافی برای تفکر و تأمل داشته باشد. (مجلسی، بی تا، ج ۱، ص ۲۶۸)

یکی دیگر از اقداماتی که حضرت خدیجه برای تقویت دین اسلام انجام می‌داد کاستن نگرانی‌های پیامبر اسلام بود. وقتی وحی بر پیامبر نازل می‌شد، نگران برخورد مردم و عدم پذیرش از جانب آنها بود. حضرت خدیجه برای این روح بزرگ و نگران، چون فرشته رحمت بود. نگاهی از روی احترام به او می‌کرد و می‌گفت: «شاد باش و پایدار به خدایی که جان خدیجه در دست اوست من امید دارم که تو پیغمبر این امت باشی. خدای متعال تو را خوار نخواهد کرد، تو با خویشان نیکی میکنی، راست می‌گویی، رنج میبری، از مهمان پذیرایی می‌کنی، و از تحمل زحمت در راه حق باک ندار.» (ابن هشام، بی تا، ج ۴، ص ۲۲۹) پیامبر با شنیدن این سخنان از روی حق شناسی به وی نگاه میکرد و آرامش می‌یافت. (ابن شهر آشوب، ۴۲۱۰، ج ۴، ص ۱۲)

حضرت خدیجه تا آخرین لحظات حیاتشان دل آرام رسول الله و تسلی دهنده به ایشان بودند، بابرطرف کردن غم و اندوه ایشان و تبدیل آن به نشاط و شادی مقوم قلب مبارک پیامبر بودند و خداوند بوسیله ایشان غم و اندوه آن حضرت را از بین می‌برد. (مجلسی، بی تا، ج ۴، ص ۴۶)

اقدام دیگر این بانوی کریم تسکین دادن ناراحتیهای ناشی از آزار دشمنان اسلام به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بود. پیامبر بعد از آشکار ساختن اسلام، از طرف مشرکان که دشمنان سرسخت اسلام بودند بسیار آزار می‌دیدند. تاجایی که فرمودند: «ماؤذی نبی مثل ماؤذیت»؛ «هیچ پیامبری به اندازه من آزرده نشد.» (مجلسی، بی تا، ج ۲۸، ص ۱۰، ح ۴۱) حضرت رسول هر وقت از اذیت‌های قریش محزون و آزرده می‌شد هیچ چیز آن حضرت را مسرور نمی‌کرد مگر همسرش حضرت

خدیجه. هرگاه خدیجه را می دید مسرور می شد و خدیجه آن بزرگوار را در بر می گرفت و می بوسید و امر قریش را آسان می نمود و برای سلامتی آن حضرت صدقه می داد. (محلّاتی، ۲۹۱، ج ۲، ص ۲۶۱)

زدودن غم و اندوه و ناراحتی ناشی از وفات فرزندان پیامبر قاسم و عبدالله که در دوره کودکی وفات یافتند و پیامبر را در غم مرگ خویش غمگین ساختند. هنگامی که قاسم از دنیا رفت، نگاه حضرت درکنار جنازه او به یکی از کوه های مکه افتاد و رو به آن کرد و فرمود: «ای کوه! آنچه به من در مورد مرگ قاسم وارد شده اگر بر تو می آمد متلاشی می شدی». (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۲۲) حضرت خدیجه برای کم کردن این غم و ناراحتی پیشنهاد و اقدام به خرید «زید بن حارثه» می نماید. (حاکم نیشابوری، بی تا، ج ۲، ص ۲۴۲)

و سپس او را آزاد می نماید و با تمایل خود او و پدرش، رسول الله او را به فرزندی می پذیرد تا جای خالی فرزندش را پر نماید و او را «زید بن محمد» می نامند. پس از بعثت هم بعد از حضرت علی (علیه السلام) مردی که به آن حضرت ایمان آورد یکی از بهترین یاران و پیروان ایشان گشت «زید» بوده است. (ابن هشام کلبی، بی تا، ج ۴، ص ۲۰۱)

اینجا نقش حضرت خدیجه آشکار می شود که با وجود غم و اندوهی که بر قلب خودش مستولی بود برای کاستن غم و اندوه همسرش براساس شواهدی در تاریخ پیشنهاد خرید «زید بن حارثه» را می دهد و با امید دادن به پیامبر در سختترین شرایط، و دلداری دادن به او در برابر فشارها و احساس دلتنگی ها و زدودن گرد و غبار و اندوه از دل او، با ایمان به خدا گامی دیگر در راه حمایت از اسلام برداشتند.

حمایت های مالی حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) اولین شخصیتی بود که به حمایت تمام قد از پیامبر اکرم اهتمام نمود و در این راه جان و مال خود را فدا نمود. اهمیت حمایت های همه جانبه به خصوص حمایت مالی ایشان از نبی مکرم اسلام در آغاز اسلام آنگاه روشن می شود که بدانیم به تعبیر مقام معظم رهبری در دوران اختناق و انقلاب نقش کمک های مالی بنیادین است و اگر در ابتدای این راه کمک های این بانوی مومن نبود، به احتمال زیاد فرایند تکامل حرکت و انقلاب نبوی در آغاز راه مختل می شد: «خدیجه کبری در آغاز اسلام ایمان آورد؛ بزرگترین حرکت را به عنوان یک بانوی کامله و عاقله و بزرگوار انجام داد، اول مومن به اسلام او بود، بعد هم همه ثروت خود را در راه دعوت اسلام و ترویج اسلام خرج کرد، و تاثیر این کار را کسانی می دانند که در مبارزات و دوران اختناق نقش کمک های مالی را به مبارزین تجربه

کردند. که اگر کمک‌های خدیجه علیها السلام نبود شاید در حرکت اسلام و پیشرفت اسلام یک اختلال و وقفه عمده‌ای به وجود می‌آمد». (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۵/۳/۲)

حمایتهای مالی حضرت خدیجه از انقلاب نبوی صرفاً به حمایتهای مستقیم ختم نمی‌شود؛ و حمایتهای مالی غیرمستقیم آن بانو در دوران سخت تحریم قریش نیز از ایجاد خلل در فرآیند حرکت و انقلاب نبوی جلوگیری کرده است.

توضیح اینکه حضرت خدیجه (سلام الله علیها) پیش از ازدواج با نبی مکرم اسلام از تجار نامی حجاز به شمار می‌رفت و روابط خوبی با دیگر تجار داشت. در دوران سخت تحریم در شعب ابیطالب این بانو از این روابط بهره می‌گرفت و به اصطلاح امروزی تحریمهای قریش را دور میزد. این امر نیز نکته‌های مهم در تحلیل نقش آن بانو در پیشرفت اسلام است که نباید از چشم دور بماند، چنانکه رهبر معظم انقلاب از این امر به عنوان یکی از مزایا و خدمات آن بانو نسبت به اسلام یاد کرده است. (www.tasnim.ir)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره در مورد نقش اقتصادی اموال همسرش فرموده: «ما نفعنی مال قط ما نفعنی مال خدیجه؛ هیچ مالی هرگز به سود نرسانید آنگونه که ثروت خدیجه برای من سود رسانید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۸).

حمایت اقتصادی حضرت خدیجه در یاری پیامبر که مشکلات فراوانی را از پیش پای ایشان برداشت منجر به آرامش روحی ایشان گردید بسیار مشهود است. او در ابتدای شروع زندگی، برای جلوگیری از بهانه تراشیهای مخالفان با ازدواج با پیامبر مهر و صداق را خود بر عهده گرفت. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۰، ح ۱۴)

پس از ازدواج برای جلوگیری از سیل اتهامات و سخنان ناروا که در مورد حضرت محمد می‌زدند و از سرکینه و حسد او را تحقیر می‌کردند و یتیم و تهیدست می‌خواندند، پسر عمویش ورقه را خواست و اختیار تمام اموال و داراییهای خود را به او سپرد و دستور داد که تمام دارایی خدیجه را به محمد هدیه نماید و یاد آور شد این همه دارایی و اموال از این پس ملک محمد است و به او تعلق دارد و هرطور که بخواهد می‌تواند در آن تصرف نماید و در ضمن فرمود: «از قول من به محمد بگو همه ثروت و سرمایه ام و تمام عُمال و کارگزارانی که امر تجارت را سامان می‌دادند و تمام آن چیزهایی که به نام من ثبت شده است در دست من قرار دارد و یا زیر نظر من اداره می‌شود همه و همه را به او بخشودم. از این پس، من و هر آنچه که از آن من بود، به محمد تعلق دارد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۰، ص ۱۴).

بدون شک تمام این اقدامات حضرت خدیجه در گسترش دین اسلام موثر بوده است و اگر این حمایتها از طرف ایشان اتفاق نمی افتاد، مسلمانان توانایی ادامه راه را نداشتند و دعوت پیامبر به اسلام در همان ابتدا به مشکل بر می خورد.

نتیجه گیری

هر فردی در زندگی خود در مسیری قرار می گیرد که به سمت حمایت از حق و حقیقت برود یا به حقیقت پشت کرده و به سمت باطل برود. حضرت خدیجه (سلام الله علیها) نخستین ایمان آورنده به پیامبر بود ایشان از هیچگونه فداکاری و مجاهدت در راه عقیده خویش و در راه حمایت از حق و حقیقت دریغ نکرد. او برترین همسر پیامبر بود و موثرترین نقش را در پیشبرد دعوت پیامبر اکرم ایفا می کرد.

حضرت خدیجه از ایمان راسخی برخوردار بود و با تمام هستی خویش در راه حمایت از رسول خدا و گسترش دین اسلام به میدان آمد. ایشان در حمایت از پیامبر هیچ گونه کوتاهی نکردند. علاوه بر اینکه این بانو از ثروت بسیار برخوردار بود و تمام اموالش را به پیامبر بخشید تا در راه اسلام و دعوت مردم استفاده کند، ایشان با حمایت های عاطفی و معنوی در منزل به عنوان همسری یار و یاور قلب نازنین پیامبر را از ناملایماتی که از برخی مشرکان به درد می آمد، تسکین می دادند. با همین برخوردهای خوب و حمایت های روحی روانی ایشان بود که پیامبر به دعوت خود ادامه می داد.

ایشان برای تقویت ایمان و اطمینان قلبی اش، تلاش های فراوانی در جهت معرفت و شناخت کمالات و روحيات و صفات پیامبر انجام دادند از جمله آن تصدیق و تایید پیامبر و معاف کردن ایشان از فعالیت های اقتصادی و کسب در آمد، کاهش نگرانی های پیامبر، زدودن غم و ناراحتی های ایشان و... در راه گسترش و ترویج اسلام حمایت کردند.

منابع

• قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، (۱۴۰۹)، *اسد الغابه فی معرفه الصحابه*، ج ۶، بیروت: دار احیاء التراث.
۲. ابن سعد، (۱۴۱۸)، *الطبقات الکبری*، بیروت: دار صار.
۳. ابن سید الناس، محمد بن محمد، (۱۴۱۴)، *عیون الاثر*، ج ۱، بیروت: دار القلم.

۴. ابن شهر آشوب، مشیرالدین ابی عبدالله محمد، (۱۴۲۰)، مناقب آل ابی طالب، نجف: المکتب الحیدریه.
۵. ابن عبدالبر، (۱۴۱۲)، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ج ۴، بیروت: دارالجمیل.
۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۰۷)، البدایه و النهایه، ج ۳، بیروت: دارالفکر.
۷. بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۴۱۷)، الانساب الاشراف، ج ۱، چ ۳، لبنان: آل ابوطالب.
۸. حاکم نیشابوری، عبدالله، (بی تا)، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دارالمعرفه.
۹. سیلاوی، غالب، (۱۴۲۴)، الأنوار الساطعه، چ ۱، تهران: انتشارات غالب سیلاوی.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۷)، تفسیرالمیزان، ج ۲، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۱. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷)، تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، بیروت: اساطیر.
۱۲. غزالی، ابوحامد، (۱۴۱۶)، فقه السیره، ج ۱، دمشق: دارالقلم.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، بحارالانوار، ج ۱۰۰، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، (۱۴۰۹)، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، چ ۲، قم: انتشارات دارالهجره.
۱۵. مقریزی، تقی الدین، (۱۴۲۰)، إمتاع الأسماع، ج ۱۵، بیروت: دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. یعقوبی، احمد بن یعقوب، (۱۳۷۴)، تاریخ یعقوبی، چ ۱، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

۱۷. www.tasnim.ir

۱۸. www.imj.ir